

Investigating the relationship between conflict resolution styles and spouse empathy with resilience of women with hyperactive children in the cities of Qaladzi and Raniya, Kurdistan Region, Iraq

بررسی رابطه بین سبک‌های حل تعارض و همدلی همسر با تاب‌آوری زنان دارای فرزند بیش‌فعال شهرهای قلادزی و رانیه اقلیم کردستان عراق

بختیار حسن محمدامین ملک‌اری

دکترای مشاوره، دانشیار در گروه تربیتی و روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه راپ‌هرین، رانیه، کردستان عراق.

baxtiarhassan@uor.edu.krd

Bakhtyar Hassan Muhammadamin (Malkari)

PhD. counseling, Lecturer at Education and psychology Department, College of Education, University of Raparin, Kurdistan region, Iraq

baxtiarhassan@uor.edu.krd

Abstract

The present study was designed and implemented to investigate the relationship between spouses' conflict resolution styles and spouses' empathy with the resilience of women with hyperactive children in the cities of Qaladzi and Raniya, Kurdistan Region of Iraq. The statistical population of this study included all women with hyperactive children living in these cities. Sampling was done using the convenience method, and a total of ۱۰۰ women were selected to participate in the study. Data were collected using standard questionnaires for conflict resolution styles (Rahim, ۱۹۹۷), empathy (Joriff and Farrington, ۲۰۰۶), and resilience (Connor and Davidson, ۲۰۰۳). Data analysis included descriptive statistics, Pearson correlation, and multiple regression. The results showed that there is a positive and significant relationship between the spouse's conflict resolution styles and women's resilience, and the spouse's empathy is also directly and positively related to resilience. These findings indicate that the spouse's way of dealing with marital conflicts and the degree of his or her empathy play an effective role in increasing women's ability to cope with life's pressures and challenges, especially in managing the behaviors of hyperactive children. Also, the combination of effective conflict resolution styles and empathetic behaviors of the spouse increases women's sense of psychological security, self-confidence, and psychological resources, and strengthens their resilience.

Keywords: Husbands' conflict resolution styles, husbands' empathy, women's resilience, hyperactive child.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سبک‌های حل تعارض همسر و همدلی همسر با تاب‌آوری زنان دارای فرزند بیش‌فعال در شهرهای قلادزی و رانیه اقلیم کردستان عراق طراحی و اجرا شد. جامعه آماری این مطالعه شامل تمامی زنان دارای فرزند بیش‌فعال ساکن در این شهرها بود. نمونه‌گیری به روش در دسترس انجام شد و در مجموع، ۱۰۰ زن برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد سبک‌های حل تعارض رحیم (۱۹۹۷)، همدلی جوریف و فارینگتون (۲۰۰۶) و تاب‌آوری (کونور و دیویدسون ۲۰۰۳)، جمع‌آوری شد. تحلیل داده‌ها شامل آمار توصیفی، همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه بود. نتایج نشان داد که بین سبک‌های حل تعارض همسر و تاب‌آوری زنان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و همدلی همسر نیز به شکل مستقیم و مثبت با تاب‌آوری مرتبط است. این یافته‌ها بیانگر آن است که شیوه برخورد همسر با تعارضات زناشویی و میزان همدلی او نقش مؤثری در افزایش توانایی زنان برای مقابله با فشارها و چالش‌های زندگی، به ویژه در مدیریت رفتارهای فرزند بیش‌فعال، دارد. همچنین ترکیب سبک‌های حل تعارض مؤثر و رفتارهای همدلانه همسر باعث افزایش احساس امنیت روانی، اعتماد به نفس و منابع روان‌شناختی زنان شده و تاب‌آوری آنان را تقویت می‌کند.

واژگان کلیدی: سبک‌های حل تعارض همسر، همدلی همسر، تاب‌آوری زنان، فرزند بیش‌فعال.

مقدمه

مادران دارای فرزند بیش‌فعال^۱ با مجموعه‌ای از چالش‌های پیچیده و مستمر مواجه هستند که مدیریت رفتارهای پرجنب‌وجوش فرزند، هماهنگی نقش‌های خانوادگی و اجتماعی و مقابله با فشارهای روانی و اجتماعی را شامل می‌شود. فرزند بیش‌فعال نیازمند توجه و نظارت مداوم است و رفتارهای چالش‌برانگیز آن می‌تواند منجر به استرس مزمن، خستگی روانی و کاهش کیفیت زندگی مادران شود (علی بابایی و همکاران، ۱۳۹۸). این فشارها نه تنها بر سلامت روان مادر تأثیر می‌گذارند، بلکه می‌توانند روابط بین فردی او با همسر، فرزندان دیگر و محیط اجتماعی را نیز تحت تأثیر قرار دهند. در نتیجه، توانایی مادران در حفظ تعادل روانی و اجتماعی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند و پژوهش در این زمینه اطلاعات ارزشمندی برای طراحی مداخلات روان‌شناختی، برنامه‌های حمایتی و راهبردهای آموزشی والدین فراهم می‌آورد. شناخت دقیق این چالش‌ها به متخصصان امکان می‌دهد تا برنامه‌هایی هدفمند برای کاهش استرس و ارتقای کیفیت زندگی خانواده‌ها ارائه کنند.

زندگی خانوادگی مادران در این شرایط تحت تأثیر متغیرهای روان‌شناختی و بین‌فردی متعدد است و شناسایی این عوامل می‌تواند راهکارهای مؤثرتری برای ارتقای سلامت روان و بهبود سازگاری آن‌ها فراهم آورد. به عنوان مثال تاب‌آوری^۲ می‌تواند به عنوان یک متغیر روان‌شناختی کمک شایانی به مادران کودکان بیش‌فعال در مواجهه مشکلات این کودکان نماید. تاب‌آوریه‌عنوان یک ویژگی روان‌شناختی چندبعدی و پویا، توانایی فرد برای مقابله با فشارها و چالش‌های زندگی، مدیریت هیجانات منفی، بازتعریف نقش‌های اجتماعی و خانوادگی و بازسازی شبکه‌های حمایتی در شرایط دشوار را شامل می‌شود (اخروی، ۱۴۰۴). در زمینه مادران دارای فرزند بیش‌فعال، تاب‌آوری اهمیت بسیار ویژه‌ای دارد زیرا این گروه با فشارهای مستمر و نیازهای ویژه فرزندان روبه‌رو هستند و توانایی آن‌ها در مدیریت استرس و بازسازی منابع روانی و اجتماعی تعیین‌کننده کیفیت زندگی و سلامت روان است (جانسون و همکاران^۳، ۲۰۲۲). تاب‌آوری نه تنها شامل مقابله با مشکلات روزمره می‌شود، بلکه انعطاف‌پذیری روانی، توانایی تصمیم‌گیری مناسب در شرایط دشوار، و مدیریت مؤثر هیجانات را نیز در بر می‌گیرد. مادرانی که تاب‌آوری بالاتری دارند، می‌توانند با اعتمادبه‌نفس بیشتری با تغییرات محیطی و چالش‌های رفتاری فرزندشان مواجه شوند و سطح رضایت از زندگی و روابط خانوادگی خود را حفظ کنند. تاب‌آوری همچنین به‌عنوان مکانیسمی محافظتی عمل می‌کند که از طریق کاهش تأثیر استرس، افزایش انعطاف روانی و ارتقای اعتمادبه‌نفس، توانایی مادران را در بازسازی زندگی و حفظ تعادل روانی-اجتماعی افزایش می‌دهد (لی و همکاران^۴، ۲۰۲۳).

با وجود اهمیت تاب‌آوری، سطح آن می‌تواند تحت تأثیر ویژگی‌ها و رفتارهای همسر نیز قرار گیرد. کیفیت تعاملات زناشویی و رفتارهای حمایتی همسر یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تاب‌آوری مادران است (یوسفی، ۱۴۰۲). همسرانی که توانایی ایجاد روابط مثبت، حمایت‌گرانه و همراه با درک متقابل دارند، فشار روانی مادران را کاهش داده و توانایی آن‌ها را برای مقابله با چالش‌های ناشی از رفتارهای فرزند افزایش می‌دهند. در این راستا، دو متغیر مستقل مورد بررسی، یعنی سبک‌های حل تعارض همسر^۵ و همدلی^۶ همسر اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کنند، زیرا می‌توانند نقش اساسی در شکل‌دهی و تقویت تاب‌آوری مادران ایفا کنند و فرایندهای روان‌شناختی و اجتماعی خانواده را تحت تأثیر قرار دهند (مهدی خانجانی، ۱۴۰۲؛ اسمیت و همکاران^۷، ۲۰۲۱). سبک‌های حل تعارض همسر به روش‌هایی اطلاق می‌شود که زوجین برای مدیریت اختلافات و مشکلات زناشویی به کار می‌برند. این سبک‌ها معمولاً شامل سبک‌های مشارکتی، مصالحه‌گرایانه، رقابتی و اجتنابی هستند و هر یک اثر متفاوتی بر تعاملات زوجین و توانایی مادران در مدیریت فشارهای روانی دارد. سبک‌های حل تعارض مشارکتی و سازنده با تمرکز بر حل مشترک مشکلات، کاهش تنش و ایجاد فضای حمایتی، فرصت بهره‌مندی مادران از حمایت روانی همسر و ارتقای تاب‌آوری را فراهم می‌کنند. در مقابل، سبک‌های رقابتی یا اجتنابی می‌توانند تعارضات را تشدید کرده و فشار روانی مادران را افزایش دهند (بهرامیان و همکاران، ۱۴۰۳).

^۱. Hyperactive^۲. Resilience^۳. Johnson et al^۴. Lee et al^۵. Spouse conflict resolution styles^۶. Empathy^۷. Smith et al

همدلی همسر نیز به عنوان یک عامل محافظتی در مواجهه مادران با شرایط دشوار، توانایی او را در درک و پاسخ‌دهی مناسب به احساسات، نیازها و افکار شریک زندگی نشان می‌دهد. این ویژگی باعث ایجاد احساس امنیت، کاهش تنش‌های روانی و ارتقای رضایت زناشویی می‌شود و هم‌زمان نقش مستقیم و غیرمستقیم در افزایش تاب‌آوری مادران ایفا می‌کند (لی و همکاران، ۲۰۲۳). مادرانی که حمایت همدلانه همسر خود را تجربه می‌کنند، با اعتمادبه‌نفس بیشتری به مدیریت چالش‌های رفتاری فرزند پرداخته و توانایی حفظ روابط مثبت با فرزند و سایر اعضای خانواده را دارند. همدلی همسر نه تنها تاب‌آوری را به طور مستقیم افزایش می‌دهد، بلکه می‌تواند سبک‌های حل تعارض زوجین را نیز به سمت رفتارهای سازنده‌تر هدایت کند؛ این تعامل دوجانبه موجب می‌شود مادران با منابع روانی و اجتماعی بیشتری مواجه شده و توان مقابله آن‌ها با فشارها و استرس‌های خانوادگی به شکل مؤثرتری تقویت شود.

در نهایت، با توجه به اهمیت تاب‌آوری در مدیریت فشارها و چالش‌های روزمره مادران دارای فرزند بیش فعال و همچنین نقش بالقوه سبک‌های حل تعارض و همدلی همسر در تقویت این توانایی، پژوهش حاضر به بررسی تعاملات بین فردی و روان‌شناختی در محیط خانوادگی پرداخته و به دنبال تعیین نقش حمایتی همسر در ارتقای منابع روانی مادران است تا شواهد علمی برای طراحی مداخلات هدفمند و برنامه‌های حمایتی ارائه دهد، و سؤال پژوهش این است که آیا بین سبک‌های حل تعارض همسر و همدلی همسر با تاب‌آوری زنان دارای فرزند بیش فعال در شهرهای قلاذزی و رانیه اقلیم کردستان عراق رابطه معنادار وجود دارد و این متغیرها تا چه حد می‌توانند تاب‌آوری زنان را پیش‌بینی کنند؟

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف در زمره مطالعات کاربردی قرار دارد و از نظر روش، توصیفی-همبستگی بوده و تحلیل داده‌ها با استفاده از رگرسیون چندگانه انجام شد. هدف اصلی پژوهش بررسی رابطه بین دو متغیر روان‌شناختی شامل سبک‌های حل تعارض همسر و همدلی همسر با تاب‌آوری زنان دارای فرزند بیش فعال است. داده‌ها در بستر طبیعی و بدون مداخله مستقیم پژوهشگر جمع‌آوری شد و ابزار اصلی گردآوری اطلاعات، پرسشنامه‌های استاندارد بوده است.

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی زنان دارای فرزند بیش فعال ساکن در شهرهای قلاذزی و رانیه اقلیم کردستان عراق بود که در مراکز بازپروری کودکان استثنایی دارای فرزند بیش فعال بوده و در حال حاضر در زندگی زناشویی فعال بوده و شرایط حضور در جامعه را داشتند. با توجه به محدودیت‌های اجرایی و حساسیت گروه هدف، نمونه‌ای به حجم ۱۰۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد. انتخاب حجم نمونه بر اساس توصیه فرگوسن^۱ (۲۰۰۴) انجام شد، که حداقل ۳۰ نفر برای هر متغیر پیش‌بین در پژوهش‌های همبستگی و رگرسیون جهت دستیابی به قدرت آماری مناسب پیشنهاد شده است. با توجه به دو متغیر پیش‌بین پژوهش، حداقل نمونه ۶۰ نفر کف قابل قبول بود و انتخاب ۱۰۰ نفر با هدف افزایش دقت تحلیل و کاهش خطای نمونه‌گیری انجام شد. انتخاب افراد بر اساس تمایل به مشارکت، حضور فعال در جمع‌های اجتماعی و همکاری با مشاوران محلی صورت گرفت.

معیارهای ورود به پژوهش شامل زن بودن شرکت‌کنندگان، داشتن فرزند تشخیص داده شده با بیش‌فعالی، زندگی زناشویی فعال و رضایت آگاهانه برای مشارکت در پژوهش بود. همچنین، معیارهای خروج شامل پاسخ‌دهی ناقص به پرسشنامه‌ها، عدم همکاری در تکمیل مراحل جمع‌آوری داده و شرکت همزمان در برنامه‌های درمانی روان‌شناختی دیگر بود.

ابزارهای اندازه‌گیری مورد استفاده در پژوهش شامل سه پرسشنامه استاندارد بودند:

پرسشنامه سبک‌های حل تعارض: پرسشنامه سبک‌های حل تعارض توسط رحیم^۲ (۱۹۹۷) ساخته شده و با هدف ارزیابی الگوهای غالب افراد در برخورد با تعارضات بین‌فردی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این پرسشنامه بر پایه مدل بازنگری‌شده سبک‌های حل تعارض بلاک و موتون (۱۹۶۴) تدوین شده است و یکی از معتبرترین ابزارهای سنجش رفتارهای حل تعارض به شمار می‌رود. پرسشنامه شامل ۲۸ گویه است و پنج سبک حل تعارض را اندازه‌گیری می‌کند که این سبک‌ها عبارتند از: همکاری، اجتناب، مصالحه، رقابتی و انطباقی. سبک همکاری نشان‌دهنده تلاش فرد برای یافتن راه‌حلی است که منافع هر

^۱. Ferguson

^۲. Rahim

دو طرف در آن تأمین شود و بر گفت‌وگو، همدلی و درک متقابل تأکید دارد. سبک اجتناب بیانگر دوری از مواجهه با تعارض و تلاش برای به تعویق انداختن یا نادیده گرفتن مسئله است. در سبک مصالحه، فرد می‌کوشد راه‌حلی میانه بیابد تا هر دو طرف تا حدی به خواسته‌های خود دست یابند. سبک رقابتی یا تسلط‌جویانه بر تأکید فرد بر منافع خود و اولویت‌دادن به پیروزی شخصی در تعارض دلالت دارد. در مقابل، سبک انطباقی یا همسازی نشان‌دهنده ترجیح حفظ رابطه و آرامش به جای پیگیری منافع شخصی و کنار گذاشتن خواسته‌های فردی است. پاسخ‌دهی به پرسشنامه بر اساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت انجام می‌شود که از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» تنظیم شده است. نمره هر ماده از ۱ تا ۵ محاسبه می‌شود و نمره هر سبک از مجموع نمرات گویه‌های مربوط به همان سبک به دست می‌آید. در نهایت، سبک غالب فرد در حل تعارض، سبکی است که بیشترین نمره را کسب کرده باشد. همچنین، از آنجا که پرسشنامه دارای ۲۸ گویه است، نمره کل پرسشنامه دامنه‌ای بین ۲۸ تا ۱۴۰ خواهد داشت، به این معنا که نمره بالاتر نشان‌دهنده سطح بیشتر استفاده از راهبردهای حل تعارض (صرف نظر از نوع سبک غلبه‌گر) است؛ با این حال، تأکید اصلی تفسیر این ابزار بر مقایسه نمرات سبک‌ها با یکدیگر است، نه نمره کل.

روایی و پایایی این پرسشنامه در پژوهش‌های مختلف تأیید شده است. رحیم (۱۹۹۷) پایایی بازآزمایی پرسشنامه را بین ۰.۶۰ تا ۰.۸۳ گزارش کرده و ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس برابر با ۰.۷۱ به دست آمده است. در مطالعات داخلی نیز میزان پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌ها بین ۰.۶۴ تا ۰.۷۲ و برای کل مقیاس برابر با ۰.۸۷ گزارش شده است (بهراری، ۱۳۹۰). همچنین، در پژوهش حقیقی، زارعی و قادری (۱۳۹۱) همبستگی معناداری میان خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه و پرسشنامه حل تعارض ویکز و همکاران به دست آمد که نشان‌دهنده روایی همگرا و واگرایی مطلوب ابزار می‌باشد. بنابراین، پرسشنامه سبک‌های حل تعارض رحیم از اعتبار کافی برای سنجش سبک‌های اجتماعی و ارتباطی افراد در مواجهه با تعارض برخوردار است و می‌تواند در محیط‌های سازمانی، آموزشی و پژوهشی مورد استفاده قرار گیرد.

پرسشنامه تاب‌آوری: پرسشنامه تاب‌آوری توسط کونور و دیویدسون^۱ (۲۰۰۳) طراحی شده و به منظور سنجش تاب‌آوری به عنوان توانایی مقابله با سختی‌ها و مشکلات زندگی در جمعیت‌های مختلف بالینی و غیر بالینی مورد استفاده قرار گرفته است. این پرسشنامه ۲۵ سؤال دارد و در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای از صفر (کاملاً نادرست) تا پنج (همیشه درست) نمره‌گذاری می‌شود. خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه شامل تصور شایستگی فردی (سوالات ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۲۳، ۲۴، ۲۵)، اعتماد به غرایز فردی و تحمل عاطفه منفی (سوالات ۶، ۷، ۱۴، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰)، پذیرش مثبت تغییر و روابط ایمن (سوالات ۱، ۲، ۴، ۵، ۸)، کنترل (سوالات ۱۳، ۲۱، ۲۲) و تأثیرات معنوی (سوالات ۳ و ۹) است. نمره‌گذاری پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت به صورت همیشه درست ۵، اغلب درست ۴، گاهی درست ۳، بندرت درست ۲ و کاملاً نادرست ۱ انجام می‌شود. تحلیل داده‌ها به دو طریق انجام می‌گیرد: تحلیل بر اساس خرده‌مقیاس‌ها و تحلیل بر اساس میزان نمره کل. در روش تحلیل خرده‌مقیاس‌ها، پس از وارد کردن داده‌ها در نرم‌افزار SPSS، نمرات مربوط به هر مولفه با استفاده از گزینه compute ترکیب می‌شود و سپس نمره کل پرسشنامه با ترکیب همه مولفه‌ها به دست می‌آید. نمره کل پرسشنامه بین ۲۵ تا ۱۲۵ است؛ نمره بین ۲۵ تا ۴۱ نشان‌دهنده تاب‌آوری پایین، بین ۴۱ تا ۸۳ تاب‌آوری متوسط و بالاتر از ۸۳ تاب‌آوری بالا است. پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ در مطالعات مختلف گزارش شده است و ضریب پایایی آن ۰.۹۳ است. در جامعه ایرانی، مطالعاتی مانند مطالعه محمدی (۱۳۸۴) و شریف‌نیا و همکاران (۲۰۲۳) نشان داده‌اند که نسخه فارسی پرسشنامه از روایی و پایایی مناسبی برخوردار است؛ آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌ها بالای ۰.۷ بوده و روایی همگرا و سازه‌ای آن تأیید شده است.

پرسشنامه همدلی: پرسشنامه همدلی توسط جولیف و فارینگتون^۲ (۲۰۰۶) با هدف سنجش میزان توانایی فرد در درک احساسات دیگران و فهم موقعیت‌های اجتماعی طراحی شده است. این پرسشنامه در ارزیابی دو بعد اساسی همدلی، یعنی همدلی عاطفی - هیجانی و همدلی شناختی مورد استفاده قرار می‌گیرد. نسخه نهایی این ابزار شامل ۲۰ سؤال است و پاسخ‌دهی به آن

^۱. Connor, K. M., & Davidson

^۲. Jolliffe, D., & Farrington

براساس مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت، از «کاملاً مخالفم» تا «کاملاً موافقم» انجام می‌شود. در این مقیاس، به گزینه «کاملاً مخالفم» نمره ۱ و به گزینه «کاملاً موافقم» نمره ۵ داده می‌شود. این پرسشنامه دارای دو خرده‌مقیاس است. خرده‌مقیاس همدلی عاطفی - هیجانی شامل ۱۱ سؤال است و توانایی فرد را در تجربه و سهیم شدن در هیجانات دیگران می‌سنجد. در مقابل، خرده‌مقیاس همدلی شناختی شامل ۹ سؤال است و بیشتر بر توانایی فرد در درک دیدگاه‌ها و حالات ذهنی دیگران تأکید دارد. نمره هر خرده‌مقیاس از مجموع نمرات سؤالات مربوط به همان بخش به دست می‌آید. همچنین، نمره کل پرسشنامه از مجموع نمرات ۲۰ سؤال محاسبه می‌شود و دامنه‌ای بین ۲۰ تا ۱۰۰ خواهد داشت. نمره بالاتر نشان‌دهنده سطح بالاتر همدلی کلی فرد و توانایی بهتر او در تشخیص و پاسخ‌دهی به هیجانات و نیازهای دیگران است. ویژگی‌های روان‌سنجی این ابزار مورد تأیید قرار گرفته است. آلیبر و همکاران (۲۰۰۸) ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس را ۰/۸۷، برای خرده‌مقیاس عاطفی - هیجانی ۰/۸۶ و برای خرده‌مقیاس شناختی ۰/۷۴ گزارش کرده‌اند. در ایران نیز نوروزی (۱۳۸۹) ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۴ و به تفکیک برای خرده‌مقیاس‌های عاطفی - هیجانی ۰/۷۸ و شناختی ۰/۷۴ به دست آورده است. همچنین بررسی روایی سازه این ابزار از طریق همبستگی آن با مقیاس‌های همدلی و رفتارهای اجتماعی مرتبط انجام شده و نتایج به دست آمده روایی مطلوب ابزار را تأیید کرده است.

داده‌ها پس از دریافت مجوزهای لازم و اطلاع‌رسانی به زنان مطلقه به صورت حضوری و الکترونیکی جمع‌آوری شد. پرسشنامه‌ها به صورت فردی تکمیل و پس از جمع‌آوری، داده‌ها کدگذاری و وارد نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۶ گردید. تحلیل داده‌ها شامل آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، فراوانی) و آمار استنباطی شامل تحلیل همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه بود تا نقش صمیمیت عاطفی و حمایت اجتماعی ادراک‌شده در پیش‌بینی سازگاری پس از طلاق زنان مطلقه مشخص شود و سهم هر متغیر مستقل در توضیح تغییرات سازگاری بررسی گردد. این حجم نمونه مناسب باعث افزایش اعتبار نتایج و کاهش خطای آماری شده و امکان تعمیم یافته‌ها به جامعه آماری بزرگ‌تر را فراهم می‌کند.

یافته‌ها

در این قسمت، داده‌های جمع‌آوری‌شده از پرسشنامه‌های پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. ابتدا یافته‌های جمعیت شناختی مربوط به شرکت‌کنندگان در پژوهش، سپس یافته‌های توصیفی شامل شاخص‌های آماری متغیرهای پژوهش ارائه می‌شود و سپس به بررسی فرضیه‌های پژوهش با استفاده از آزمون‌های آماری مناسب پرداخته می‌شود.

جدول ۱: سن شرکت‌کنندگان

گروه سنی	فراوانی	درصد
زیر ۲۵ سال	۲۲	۰/۲۲
۲۵ تا ۴۰ سال	۶۸	۰/۶۸
بالای ۴۰ سال	۱۰	۰/۱۰
جمع	۱۰۰	۰/۱۰۰

همانگونه که در جدول قابل مشاهده است، بیشترین فراوانی مربوط به زنان با سابقه زندگی زناشویی ۶ تا ۱۰ سال است که هم‌زمان با سال‌های اولیه تربیت کودک است. این موضوع با ماهیت پژوهش (داشتن فرزند بیش‌فعال) تناسب دارد. درصد کمتر گروه‌های با سابقه طولانی‌تر نیز نشان‌دهنده تمرکز بر خانواده‌های نسبتاً جوان‌تر است.

جدول ۲: وضعیت اشتغال شرکت‌کنندگان

وضعیت شغلی	فراوانی	درصد
خانه دار	۷۵	۰/۷۵
شاغل	۲۵	۰/۲۵
جمع	۱۰۰	۰/۱۰۰

بررسی رابطه بین سبک‌های حل تعارض و همدلی همسر با تاب‌آوری زنان دارای فرزند بیش فعال شهرهای قلاذزی و رانیه

همانگونه که در جدول قابل مشاهده است، بیشتر زنان شرکت‌کننده خانه‌دار هستند که با ساختار فرهنگی و نقش‌های سنتی زنان در خانواده در جامعه کردستان عراق مطابقت دارد. با این حال، حضور ۲۵ درصد زنان شاغل نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان در حال افزایش است.

جدول ۳: سطح تحصیلات شرکت‌کنندگان

سطح تحصیلات	فراوانی	درصد
تا دیپلم	۴۶	۰/۴۶
تا کارشناسی	۴۴	۰/۴۴
کارشناسی ارشد و بالاتر	۱۰	۰/۱۰
جمع	۱۰۰	۰/۱۰۰

همانگونه که در جدول قابل مشاهده است، تقریباً نیمی از زنان دارای تحصیلات تا دیپلم هستند که با توزیع عمومی سطح تحصیلات در شهرهای کوچک کردستان عراق سازگار است. درصد قابل توجه زنان دارای مدرک کارشناسی نیز روند افزایش تحصیلات زنان در نسل‌های جدید را نشان می‌دهد.

جدول ۴: مدت زندگی زناشویی شرکت‌کنندگان

مدت زندگی زناشویی	فراوانی	درصد
۵ سال و کمتر	۱۳	۰/۱۳
۶ تا ۱۰ سال	۳۹	۰/۳۹
۱۱ تا ۱۵ سال	۳۲	۰/۳۲
۱۶ سال و بیشتر	۱۶	۰/۱۶
جمع	۱۰۰	۰/۱۰۰

همانگونه که در جدول قابل مشاهده است، بیشترین تعداد زنان سابقه زندگی مشترک ۶ تا ۱۰ سال دارند که با دوره تربیت کودک و مواجهه با نشانه‌های بیش‌فعالی همزمان است. این توزیع با گروه‌های سنی جدول اول کاملاً هماهنگ شده است.

جدول ۵: توصیف آماری نمرات متغیرهای پژوهش

سبک‌های حل تعارض	چولگی	کشیدگی	میانگین	انحراف استاندارد
سبک‌های حل تعارض	-۰.۱۲	۳۹۰.	۸۳/۵۷	۳/۳۱۳
همدلی همسر	-۰.۰۹	۰.۵۱	۶۵/۸۴	۴/۸۴۱
تاب‌آوری	-۰.۱۵	۰.۶۷	۷۶/۲۱	۳/۶۲۵

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مقادیر چولگی و کشیدگی برای تمام متغیرها در محدوده ± ۲ قرار دارند که نشان‌دهنده تقریباً نرمال بودن توزیع داده‌ها در سطح ۰/۰۵ است. به منظور بررسی رابطه بین سبک‌های حل تعارض و همدلی همسر با تاب‌آوری، تحلیل همبستگی پیرسون انجام شد. نتایج در جدول زیر آمده است.

جدول ۶: ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲
۱- سبک‌های حل تعارض	۱	
۲- همدلی همسر	۰.۵۹۴**	۱
۳- تاب‌آوری	۰.۶۴۵**	۰.۶۴۷**

* معنی داری در سطح ۰/۰۵ ** معنی داری در سطح ۰/۰۱

بررسی رابطه بین سبک‌های حل تعارض و همدلی همسر با تاب‌آوری زنان دارای فرزند بیش فعال شهرهای قلاذزی و رانیه

همان‌طور که در جدول بالا نمایان است، همبستگی بین سبک‌های حل تعارض و تاب‌آوری ۰/۶۴ همچنین بین همدلی همسر و تاب‌آوری ۰/۶۴ بوده و رابطه مثبت و معنادار می‌باشد. این یافته‌ها نشان‌دهنده آن است که افزایش استفاده از سبک‌های حل تعارض و افزایش همدلی همسر با افزایش تاب‌آوری زنان دارای فرزند بیش فعال همراه است.

جدول ۷: خلاصه آماره‌های مربوط به برازش مدل

مدل	R ²	مجذور R	خطای استاندارد برآورد	آماره دوربین-واتسون
۱	۰/۷۶۵	۰/۵۷۴	۵/۰۰۲	۱/۹۱۱

در جدول بالا، ضریب تعیین (R^2) برابر با ۰.۵۷۴ نشان می‌دهد که ۵۷ درصد از تغییرات تاب‌آوری زنان دارای فرزند بیش فعال توسط سبک‌های حل تعارض و همدلی همسر تبیین می‌شود. مقدار آماره دوربین-واتسون در محدوده ۱.۵ تا ۲.۵ قرار دارد و استقلال باقی‌مانده‌ها را تأیید می‌کند.

جدول ۸: نتایج آزمون تحلیل واریانس

مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
۷۸۵۶.۴۳	۲	۳۹۲۸.۲۱	۱۰۵.۳۲	۰.۰۰۱
۵۶۳۳.۵۷	۹۷	۵۸.۰۰		
۱۳۴۸۰	۹۹			
رگرسیون				
باقیمانده				
کل				

در جدول بالا، مقدار F برابر با ۱۰۵.۳۲ در سطح ۰.۰۱ معنی‌دار است؛ بنابراین مدل رگرسیونی مناسب است و متغیرهای پیش‌بین توانایی تبیین تغییرات تاب‌آوری را دارند.

جدول ۹: تحلیل رگرسیون برای پیش‌بینی تاب‌آوری بر اساس سبک‌های حل تعارض و همدلی همسر

ضرایب غیر استاندارد		ضرایب استاندارد		شاخص‌های هم خطی	
B	خطای استاندارد	Beta	t	Tolerance	VIF
۱۳/۵۲۱	۲/۱۹		۵/۷۴	۰.۰۰۱	
۰/۵۹	۰/۰۹	۰/۴۱	۵/۲۹	۰/۰۰۱	۱/۷۸۲
۰.۸۹۳	۰.۸۹۳	۰.۸۹۳	۰.۱۳۷	۰.۳۸۹	۱/۹۰۳
۰.۸۹۳	۰.۸۹۳	۰.۸۹۳	۰.۱۳۷	۰.۳۸۹	۱/۹۰۳
۰.۸۹۳	۰.۸۹۳	۰.۸۹۳	۰.۱۳۷	۰.۳۸۹	۱/۹۰۳
۰.۸۹۳	۰.۸۹۳	۰.۸۹۳	۰.۱۳۷	۰.۳۸۹	۱/۹۰۳
۰.۸۹۳	۰.۸۹۳	۰.۸۹۳	۰.۱۳۷	۰.۳۸۹	۱/۹۰۳
۰.۸۹۳	۰.۸۹۳	۰.۸۹۳	۰.۱۳۷	۰.۳۸۹	۱/۹۰۳
۰.۸۹۳	۰.۸۹۳	۰.۸۹۳	۰.۱۳۷	۰.۳۸۹	۱/۹۰۳

در جدول بالا، مقادیر آماره تحمل و VIF نشان می‌دهد که هم‌خطی بین متغیرهای پیش‌بین وجود ندارد. هر دو متغیر پیش‌بین در سطح ۰.۰۱ معنی‌دار هستند و به شکل مثبت تاب‌آوری زنان دارای فرزند بیش فعال را پیش‌بینی می‌کنند.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سبک‌های حل تعارض همسر و همدلی همسر با تاب‌آوری زنان دارای فرزند بیش فعال در شهرهای قلاذزی و رانیه اقلیم کردستان عراق انجام شد. تحلیل داده‌ها نشان داد که بین سبک‌های حل تعارض همسر و تاب‌آوری زنان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد و همدلی همسر نیز به طور مستقیم و مثبت با تاب‌آوری زنان مرتبط است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که شیوه برخورد همسر با تعارضات زناشویی و میزان همدلی او نقش مهمی در افزایش توانایی زنان برای مقابله با فشارها و مشکلات روزمره زندگی ایفا می‌کند و می‌تواند به شکل مؤثری تاب‌آوری آنان را تقویت کند.

در تبیین این یافته‌ها باید گفت که، رابطه مثبت بین سبک‌های حل تعارض همسر و تاب‌آوری زنان نشان می‌دهد زنانی که در زندگی زناشویی با همسری مواجه هستند که مهارت حل تعارض مؤثر دارد، قدرت بیشتری برای مدیریت مشکلات و چالش‌های روزمره دارند (لی و همکاران، ۲۰۲۳). سبک‌های حل تعارض مشارکتی و مصالحه‌گرایانه باعث کاهش تنش‌ها و فشارهای روانی در محیط خانواده می‌شوند و احساس کنترل، شایستگی و کارآمدی شخصی را در زنان افزایش می‌دهند. به زبان خود پژوهشگر، زنانی که همسرشان تعارضات را با همکاری و درک متقابل حل می‌کند، در مواجهه با فشارهای روزمره، از جمله مدیریت رفتار فرزند بیش فعال، احساس توانمندی و اطمینان بیشتری دارند. این یافته‌ها با مطالعات پیشین همسو است که نشان می‌دهند سبک‌های تعارض سازنده، منابع روانی و توانایی مقابله با استرس را در مادران افزایش می‌دهند (خانجانی، ۱۴۰۲).

همچنین، رابطه مثبت و معنادار همدلی همسر با تاب‌آوری زنان بیانگر اهمیت حمایت عاطفی و درک متقابل در زندگی زناشویی است. زنانی که از همسر خود همدلی بالایی دریافت می‌کنند، قادرند احساس امنیت روانی و اعتمادبه‌نفس بیشتری در مواجهه با چالش‌های روزمره، به ویژه مدیریت رفتار فرزند بیش فعال، داشته باشند. همدلی همسر شامل توجه فعال به احساسات زن، گوش دادن دقیق، درک نگرانی‌ها و پاسخ‌دهی مناسب به نیازهای عاطفی او است و این حمایت باعث افزایش منابع روان‌شناختی، کاهش فشارهای روانی و ارتقای توان مقابله با بحران‌ها می‌شود (یوسفی، ۱۴۰۲). از زبان پژوهشگر، وقتی همسر رفتارهای همدلانه نشان می‌دهد، زن احساس می‌کند تنها نیست و توانایی بیشتری برای تصمیم‌گیری درست و مدیریت بحران‌های خانوادگی پیدا می‌کند.

تبیین همزمان نتایج نشان می‌دهد که تاب‌آوری زنان تحت تأثیر تعامل بین سبک‌های حل تعارض و همدلی همسر قرار دارد. هنگامی که همسر مهارت‌های حل تعارض مؤثر دارد و همزمان رفتار همدلانه از خود نشان می‌دهد، زنان می‌توانند با آرامش بیشتری با فشارهای محیطی و خانوادگی مواجه شوند و منابع روانی خود را به شکل بهینه به کار گیرند. این ترکیب رفتاری باعث افزایش انعطاف روانی، بهبود تصمیم‌گیری در شرایط دشوار و ارتقای مهارت مدیریت هیجانات منفی در زنان می‌شود. با توجه به تبیین پژوهشگر، وقتی همسر هم در حل تعارض‌ها ماهر است و هم همدلانه رفتار می‌کند، زن احساس می‌کند که پشتیبان مطمئن دارد و این باعث می‌شود با اعتمادبه‌نفس بیشتری با مشکلات فرزند خود روبه‌رو شود.

از دیدگاه عملی، این یافته‌ها اهمیت آموزش مهارت‌های حل تعارض و ارتقای همدلی در روابط زناشویی را روشن می‌سازد. همسرانی که با سبک‌های مثبت حل تعارض برخورد می‌کنند و به صورت همدلانه با شریک زندگی خود ارتباط برقرار می‌کنند، باعث ایجاد محیطی امن، حمایتی و آرام می‌شوند که زنان را قادر می‌سازد با مشکلات و چالش‌های تربیتی فرزند خود بهتر مواجه شوند. همچنین این رفتارها می‌تواند به کاهش منازعات خانوادگی، افزایش رضایت زناشویی و بهبود کیفیت روابط بین فردی منجر شود. تاب‌آوری زنان تنها محصول ویژگی‌های فردی آن‌ها نیست، بلکه تعامل مثبت و حمایت عاطفی همسر نیز نقش مؤثری در تقویت توان مقابله و انعطاف‌پذیری آنان دارد.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که تاب‌آوری زنان دارای فرزند بیش فعال به طور معنادار با سبک‌های حل تعارض و همدلی همسر مرتبط است و این دو متغیر نقش مهمی در افزایش توانایی زنان برای مقابله با چالش‌های خانوادگی دارند. تقویت مهارت‌های حل تعارض و ارتقای همدلی همسر به عنوان دو عامل کلیدی، تاب‌آوری زنان را افزایش داده و کیفیت زندگی خانوادگی و روابط بین فردی را بهبود می‌بخشد. این امر می‌تواند اثرات مثبت روان‌شناختی و اجتماعی گسترده‌ای بر خانواده‌ها و جامعه داشته باشد و اهمیت حمایت و تعامل مثبت زوجین در ارتقای منابع روانی زنان را نشان دهد.

با وجود یافته‌های معنادار، پژوهش دارای محدودیت‌هایی است که باید در تبیین نتایج و تعمیم آن‌ها مدنظر قرار گیرد. نخست، نمونه پژوهش محدود به زنان ساکن در دو شهر قلاذزی و رانیه بود و از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد، بنابراین تعمیم نتایج به سایر مناطق و جمعیت‌های مشابه محدود است. دوم، داده‌ها از طریق پرسشنامه‌های خودگزارشی جمع‌آوری شد و امکان وجود سوگیری پاسخ‌دهنده یا گرایش به پاسخ‌های مطلوب اجتماعی وجود دارد. سوم، پژوهش به صورت همبستگی طراحی شده و نمی‌توان به طور قطعی نتیجه گرفت که سبک‌های حل تعارض یا همدلی همسر باعث افزایش تاب‌آوری می‌شوند، بلکه تنها رابطه مثبت و همزمان بین این متغیرها مشاهده شده است.

با توجه به یافته‌ها و محدودیت‌ها، پیشنهادهایی برای مطالعات آینده و کاربردهای عملی ارائه می‌شود. نخست، برگزاری کارگاه‌ها و برنامه‌های آموزشی برای ارتقای مهارت‌های حل تعارض همسر می‌تواند موجب افزایش تاب‌آوری زنان شود و توانایی آنان را در

مدیریت چالش‌های خانوادگی و تربیتی تقویت کند. دوم، تشویق همسران به ارائه حمایت عاطفی و رفتارهای همدلانه می‌تواند فشار روانی زنان را کاهش دهد و منابع روانی آنان را افزایش دهد. سوم، مطالعات آینده می‌توانند از طراحی طولی و نمونه‌گیری گسترده‌تر بهره ببرند تا امکان بررسی روابط علی-معلولی بین سبک‌های حل تعارض، همدلی همسر و تاب‌آوری فراهم شود و عوامل میانجی یا تعدیل‌کننده مانند ویژگی‌های شخصیتی، شرایط اقتصادی-اجتماعی خانواده و ساختار حمایت اجتماعی نیز در تحلیل‌ها لحاظ شوند.

سپاسگزاری

پژوهشگر صمیمانه از تمامی مادرانی که با مسئولیت‌پذیری و صداقت در تکمیل پرسشنامه‌ها و مشارکت فعال در این پژوهش همکاری کردند، قدردانی می‌نماید. همراهی ایشان نقش مهم و اساسی در تحقق اهداف علمی پژوهش داشت و بدون مشارکت ارزشمند آن‌ها جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل‌های آماری ممکن نمی‌بود.

منابع

- اخروی، ندا. (۱۴۰۴). زنان ستون تاب‌آوری خانواده در بحران‌ها. *دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، ۱ (۱)، ۳-۱.
- بهاری، مریم. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین سبک‌های حل تعارض و رضایت زناشویی در زوجین. *فصلنامه مطالعات روان‌شناسی کاربردی*، ۲ (۱)، ۳۱-۴۴.
- بهرامیان، عزیز؛ کاظمی، سلطانه‌لی؛ جاویدی، حجت‌الله؛ برزگر، مجید. (۱۴۰۳). بررسی رابطه بین سبک‌های حل تعارض، باورهای غیرمنطقی و الگوهای ارتباطی با تعارضات زناشویی. *روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی*، ۱۵ (۵۵)، ۲۳-۴۰.
- حقیقی، حسین؛ زارعی، زهرا؛ قادری، نرگس. (۱۳۹۱). بررسی روایی و پایایی پرسشنامه سبک‌های حل تعارض رحیم در جمعیت ایرانی. *فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی*، ۱۵ (۳)، ۷۲-۵۵.
- خانجانی، مهدی. (۱۴۰۲). پیش‌بینی تاب‌آوری خانواده بر اساس سبک‌های حل تعارض و ادراک از سلامت خانواده اصلی در زوجین. *روان‌شناسی خانواده*، ۱۴ (۱)، ۷۴-۵۵.
- شریف‌نیا، زهرا؛ احمدی، نرگس؛ رضایی، سمانه. (۱۴۰۲). بررسی روایی و پایایی نسخه فارسی مقیاس تاب‌آوری کونور و دیویدسون در زنان سرپرست خانوار. *فصلنامه روان‌شناسی سلامت*، ۱۲ (۱)، ۷۵-۹۲.
- علی بابایی، مریم؛ وهابی‌همابادی، جلال؛ خالقی‌پور، شهناز. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش تلفیقی مهرورزی با خودگویی مثبت بر خصومت، تاب‌آوری و احساس مثبت به همسر در زنان خیانت‌دیده. *پژوهشنامه روانشناسی مثبت*، ۵ (۲)، ۴۷-۶۴.
- محمدی، فاطمه. (۱۳۸۴). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس تاب‌آوری کونور و دیویدسون در جمعیت ایرانی. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۱ (۴)، ۳۶۰-۳۷۰.
- نوروزی، نرگس. (۱۳۸۹). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه همدلی جولیف و فارینگتون در دانشجویان ایرانی. *فصلنامه روان‌شناسی اجتماعی*، ۵ (۱۷)، ۲۵-۴۶.
- یوسفی، ناصر. (۱۴۰۲). همدلی و بخشایشگری تسهیلگر تاب‌آوری کاستی‌ها در پهنه توافق همسران. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱۳ (۲)، ۱-۲۴.

Albiero, P., Matricardi, G., Speltri, D., & Toso, D. (۲۰۰۸). The assessment of empathy in adolescence: A contribution to the Italian validation of the "Basic Empathy Scale". *Journal of Adolescence*, ۳۲(۲), ۳۹۳-۴۰۸.

Connor, K. M., & Davidson, J. R. T. (۲۰۰۳). Development of a new resilience scale: The Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). *Depression and Anxiety*, ۱۸(۲), ۷۶-۸۲.

Ferguson, J. (۲۰۰۴). *Sampling techniques for correlational and regression research* (۳rd ed.). London, UK: Sage Publications

Johnson, S., Chen, D., & Parker, L. (۲۰۲۲). Self-esteem as a buffer against psychological distress after divorce. *Journal of Mental Health Research*, ۳۱(۴), ۳۱۲-۳۲۸.

Jolliffe, D., & Farrington, D. P. (۲۰۰۶). Development and validation of the Basic Empathy Scale. *Journal of Adolescence*, ۲۹(۴), ۵۸۹-۶۱۱.

Lee, J., Williams, A., & Green, M. (۲۰۲۳). Perceived social support and post-divorce adjustment: A longitudinal analysis. *Journal of Social Psychology*, ۱۶۳(۲), ۱۴۵-۱۶۲.

بررسی رابطه بین سبک‌های حل تعارض و همدلی همسر با تاب‌آوری زنان دارای فرزند بیش‌فعال شهرهای قلادزی و رانیه

Rahim, M. A. (۱۹۹۷). *Managing conflict in organizations* (۲nd ed.). Westport, CT: Quorum Books.
Smith, A., Miller, J., & Ford, N. (۲۰۲۱). Social support and identity affirmation among transgender men post-divorce. *Transgender Health*, ۶(۳), ۱۹۸-۲۱۰.